

درمانگری عمیق: باز انسانی سازی فلسطینی ها

نوشته‌ی غسان ابوسته و روپا ماریا

ترجمه‌ی لیلا عزیزی

یادداشت مترجم:

غسان ابوسته، جراح پلاستیک و ترمیمی بریتانیایی - فلسطینی است که از زمان آغاز حمله‌ی اسرائیل به غزه در پی حوادث ۷ اکتبر، مشغول خدمت‌رسانی پزشکی در غزه بوده است. او نویسنده‌ی آثار مهمی در حوزه‌ی پزشکی در جنگ است که توسط انتشارات اسپرینگر منتشر شده‌اند، و از جانب سازمان پزشکان بدون مرز، در غزه فعالیت دارد.

روپا ماریا، استاد پزشکی دانشگاه سان فرانسسکو کالیفورنیاست و در آنجا در تخصص داخلی به طبابت و تدریس می‌پردازد. کارهای او بر تقاطع اقلیم، سلامت و عدالت نژادی متمرکز هستند؛ آخرین اثر او «شعله‌ور شده: درمانگری عمیق و آناتومی بی‌عدالتی» نام دارد که به‌طور مشترک با راج پاتل نگاشته شده و توسط انتشارات مک‌میلان منتشر گردیده است.

پس از سه هفته جنگ اسرائیل، ویرانی در غزه بیش از هر چیزی است که من در سی سال گذشته به عنوان یک جراح پلاستیک و ترمیمی فعال در منازعات، دیده‌ام. تعداد زخمی‌ها و کشته شدگان بسیار زیاد است. تا به امروز (۱ نوامبر ۲۰۲۳) در غزه بیش از ۲۱ هزار نفر زخمی و بیش از ۸۰۰۰ نفر در اثر حملات اسرائیل کشته شده‌اند که ۴۰۰۰ نفر از آن‌ها کودک هستند. در وضعیتی که خانواده‌هایی به کلی از بین می‌روند، پیش‌بینی می‌شود که عده‌ی هنوز بیشتری هم، کماکان زیر آوار باشند. سیستم‌های مراقبت بهداشتی در حال فروپاشی هستند، چرا که اسرائیل بیمارستان‌ها و کارکنان مراقبت‌های بهداشتی را هدف قرار می‌دهد. طبق گزارش‌های دست‌اولی که جمع‌آوری کرده‌ام، بمب‌های اسرائیلی [تاکنون] بیش از ۲۴ پزشک و ۱۸ پرستار را کشته‌اند. یکی از آنها یک پزشک همکار ما در واحد جراحی پلاستیک بود - دکتر میدهات سایدام - که هنگامی که خانه‌اش مورد اصابت قرار گرفت، کشته شد.

بیمارستان «الشفاء» که بزرگترین بیمارستان غزه است، در حال منفجر شدن است. حداکثر ظرفیت این بیمارستان ۷۰۰ نفر است، با این حال حدود ۱۷۰۰ مجروح و بیمار روی تشک‌هایی بر روی زمین قرار دارند. هزاران نفر در راهروها، راه‌پله‌ها و بخش اورژانس پناه بسته‌اند. رسانه‌های اسرائیلی اکنون اعلام کرده‌اند که مرکز حماس در زیر بیمارستان است؛ و این توجیهی برای نابود کردن توأمان بیماران و کادر پزشکی ارائه می‌کند. اسرائیل، برق، سوخت، آب بهداشتی و غذا را به طور کامل بر غیرنظامیان قطع کرده است. این امر، پس از یک محاصره‌ی ۱۶ ساله صورت می‌گیرد که از پیش هم دسترسی به این نیازها را به شدت محدود کرده بود. همه‌ی چیزهایی که برای مراقبت از بیماران زخمی نیاز داریم - پانسمان، سرم و داروها - تمام شده است. بیماری‌های منتقله از طریق آب، اکنون در حال گسترش هستند و بیش از ۶۵۰۰۰۰ نفر با کمبود شدید آب مواجه‌اند. بیمارستان‌ها در خاموشی کار می‌کنند، چرا که سوخت قطع شده است؛ و این بدان معناست که جراحی‌ها با نور شمع و تلفن همراه انجام می‌شوند. از آنجایی که محاصره مانع از [تامین] داروهای ضروری شده است، ما مجبور به بداهه‌اندیشی هستیم؛ به عنوان مثال با استفاده از سرکه برای درمان عفونت‌های کشنده‌ی سودوموناس. عمل جراحی بدون بیهوشی، ترومای هرچه بیشتری به بیماران و جراحان وارد می‌کند. هر گونه آرامش در سرعت سرسام‌آور [کار] اتاق عمل، به این دلیل نیست که کشتارها کاهش یافته است؛ به این دلیل است که آمبولانس‌ها

از کار افتاده‌اند و هیچ سوختی برای حرکت کردن ندارند. این یک فاجعه‌ی مهندسی شده است که برای به حداکثر رساندن رنج انسان طراحی شده است. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل این قصد را به روشنی بیان کرد، وقتی که نوشت: «این مبارزه بین فرزندان نور و فرزندان تاریکی، بین نوع بشر و قانون جنگل است.»

با وام گرفتن از رمان «قلب تاریکی» نوشته‌ی جوزف کُنراد در سال ۱۸۹۹، که وحشت‌های استعمار را توصیف می‌کند، می‌توان گفت که کلام نتانیاهو نیز چارچوب مشابهی را از کاروبار مصیبت‌بار اسرائیل در فلسطین، ترسیم می‌کند.

متفکر صهیونیست، زیو ژابوتینسکی، صد سال پیش در مقاله خود، «دیوار آهنین»، که در آن قصد صهیونیست‌ها برای استعمار فلسطین را ترسیم کرد، پایه و اساس این کاروبار را گذاشت. او نوشت: «جمعیت‌های بومی، متمدن یا غیرمتمدن، همیشه سرسختانه در برابر استعمارگران، مقاومت کرده‌اند؛ صرف نظر از اینکه متمدن بوده‌اند یا وحشی.» شخصیت‌پردازی کردن از «بومیان وحشی» استعاره‌ای است که به سختی در ذهن غربی شکسته می‌شود؛ استعاره‌ای که اخیراً هم توسط یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، هنگامی که فلسطینیان را «جانوران انسانی» نامید، فراخوانده شد.

استفاده از زبان انسانیت‌زدا، ذهن را برای وحشیگری‌ای آماده می‌کند که اکنون جهان در بمباران بی‌امان اسرائیل علیه جمعیت زندانی غزه، شاهد آن است. چنین زبانی باعث روشن شدن مدارهای عصبی‌ای می‌شود که مراکز شناختی ما را نادیده می‌گیرد و ذهن ما را به گونه‌ای هدایت می‌کند که با گذر زمان باورها را [در ما] ثابت می‌کند، به طوری که تغییر این باورها حتی در مقابل شواهد متضاد دشوار است.

پروپاگاندا‌ی نازی از چنین زبانی برای آماده کردن مردم آلمان برای خشونت گسترده علیه یهودیان، همجنس‌گرایان و دیگرانی که آنها را نامطلوب می‌دانستند، استفاده می‌کرد. «انسانیت‌زدایی» بخشی از روند استعماری و پیش‌درآمد کشتار است. استفاده از این زبان، رویدادی است که از وقوع چیزی خیر می‌دهد که ما باید آن را تشخیص دهیم؛ تا به طور جمعی مداخله کنیم و از نسل‌کشی جلوگیری نماییم. «استعمارزدایی» - اصطلاحی که در محافل آکادمیک و فرهنگ عامه رایج است - توصیف دقیقی از مبارزات آزادی‌بخش در فلسطین است، زیرا مردم مستعمره حق خود را بر زمین، اعمال حاکمیت و انسانیتشان بازپس می‌گیرند. ادعاهای یهودیان مبنی بر بومی بودن در این منطقه توجیهی برای اقدامات اسرائیل نیست؛ ادعایی که در یک نیروی استعماری بی‌رحم، با سابقه‌ی ۷۵ ساله‌ی محو و پاکسازی قومی مردم فلسطین، متجلی شده است. «بازانسانی‌سازی» مردم در این مبارزات، تمرین مهمی است که جهان باید در آن شرکت کند. در حالی که انسان‌زدایی، نورون‌های ما را برای پذیرش ظلم تمرین می‌دهد، بازانسانی‌سازی می‌تواند چشم‌انداز ما را برای دیدن واقعیت‌های شفاف‌بخشی که فراتر از محدودیت‌های کنونی تصورات ما هستند، گسترش دهد.

زمانی که حماس یوچوید لیفشیتز، گروگان ۸۵ ساله‌ی اسرائیلی را آزاد کرد، او بر مراقبتی که از اسیرکنندگان‌ش دریافت کرده بود، تاکید کرد. او در هنگام انتقال به آمبولانس، دست‌ان آنها را فشرده؛ حرکتی که باعث گیج شدن تماشاگران شد! لیفشیتز توضیح داد که با او و سایر گروگان‌ها با «حساسیت» رفتار شده است. با این حرکت کوچک، این سالخورده به ما راه به سوی جهان ممکن دیگری را نشان داد. این مساله، خشونت آدم‌ربایی‌ای که او تجربه کرده است را نمی‌تواند برطرف کند. اما نشان می‌دهد که التیام‌یابی چگونه است و در نهایت، بازانسانی‌سازی بر چه چیزی متمرکز است.

ما به‌عنوان پزشک وظیفه داریم تکلیف انسان‌سازی‌ای را که جیمز بالدوین به‌عنوان *اضطرار/اخلاقی هنرمندان* توصیف کرده است، به عهده بگیریم. کار ما در پزشکی همیشه تعادلی میان علم و هنر بوده است. بالدوین نوشت: «بنابراین، نقش دقیق هنرمند این است که آن تاریکی را روشن کند... تا ما در همه‌ی کارهایمان، از هدف اعمالمان چشم بر نداریم؛ هدفی که دست آخر، آن است که جهان را به سکونت‌گاهی انسانی‌تر بدل کنیم.»

دیدن نادیده، به معنای شناسایی این است که «قدرت» چگونه واقعیت‌های ما و در نهایت سلامت ما را شکل می‌دهد. به یاد آوردن اینکه چگونه انسانیت را در کسانی که انسانیت‌زدایی شده‌اند ببینیم، گامی حیاتی در التیام جمعی ما از جنایات اکنون و گذشته است؛ جنایاتی که هر دو، میراث استعمارند. ما پزشکانی هستیم که به التیام‌بخشی انسانیت متعهد هستیم و از جهان می‌خواهیم که برای طلب آتش‌بس فوری و پایان دادن به ظلم وحشیانه بر مردم فلسطین متحد شوند. کار «بازانسانی‌سازی» دارویی است که ما به‌اضطرار، به آن نیاز داریم.

منبع

<https://www.yesmagazine.org/opinion/2023/11/01/medicine-palestine-israel-hospital>